



ضیافت خون در اوین

میزگرد با شیوا محبوبی و حسن صالحی در مورد کمپین علیه بازدید مهندسی شده سفرای خارجی از زندان اوین

صفحه ۵

آیا حمله به آمرین به معروف قابل دفاع است؟

متن زیر پاسخ به دو سوال شیرین شمس از اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری در برنامه پخش مستقیم تلویزیون کانال جدید است.

صفحه ۸

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۹



کمونیسم کارگری پس از منصور حکمت

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است

صفحه ۲

کارگران و قراردادهای برده وار

شهلا دانشفر

فتح الله بیات رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی "از جمله زیر مجموعه های خانه کارگر و تشکلهای دست ساز حکومتی، در اشاره به وضعیت نابسامان قراردادهای کار از این خبر میدهد که از بیش از ۱۳ میلیون کارگر بیمه شده تامین اجتماعی در کشور، حدود ۱۲ میلیون آن بصورت قراردادی و پیمانی کار میکنند. به عبارتی روشنتر ۹۶ درصد کارگران در ایران، دارای قراردادهای موقت کاری هستند. به گفته او ۴ درصد باقی کارگران که به صورت دائم کار میکنند، از کارگران قدیمی و در آستانه بازنشستگی هستند. فتح الله بیات همچنین از این گزارش میدهد که سهم زیادی از قراردادهای موقت با مدت زمان حداکثر ۳ ماهه و ۶ ماهه هستند و تعداد این قراردادها در حال افزایش است. در گزارش دیگری رحیم زارع سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی از ۴۵ هزار کارگر با قراردادهای موقت و حقوقهای بسیار نازل در وزارت نفت سخن میگوید که بسیاری از آنها بیش از ۲۰ سال است به کار اشتغال دارند. و همانجا از تهیه طرح دو فوریتی «ساماندهی وضعیت نیروهای قراردادی شرکت نفت» در مجلس خبر میدهد. اگر به این گزارشات تکانهنده، قراردادهای سفید امضاء را هم اضافه کنیم، گوشه ای از جهنم سرمایه داری حاکم بر ایران و شرایط برده وار کارگران را می بینیم. داستان چیست؟ پاسخ کجاست؟

صفحه ۷

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران و خانواده هایشان جاده شهر به شرکت را بستند

کارگران اعم از شاغل و بازنشسته و کارگران نی بر و کارخانه، پافشاری و کوتاه نیامدن کارگران، جلوگیری از توطئه های مدیریت برای ایجاد تفرقه میان کارگران و حضور فعال خانواده های آنان از نقاط قوت کارگران نیشکر هفت تپه است. لازم به توضیح است که اخیراً فدراسیون جهانی کارگران آی یواف (فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران غذایی، کشاورزی و...) کارزاری در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده و سایت خبری لیبر استارت نیز پشتیبانی در حمایت از خواستها و مبارزات آنان در سایت درج کرده است. کارگران نیشکر هفت تپه تجاری ارزنده در مقابل کل کارگران گذاشته اند.

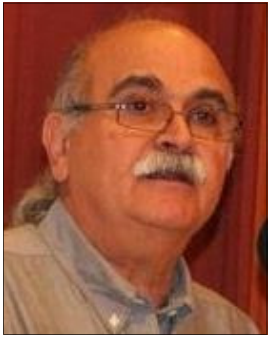
حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از کارگران نیشکر هفت تپه و خواست های آنها، از کارگران در سراسر کشور و از مردم هفت تپه و شوش می خواهد به هر شکل میتوانند آنان را مورد حمایت قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مرداد ۱۳۹۶، ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷

عباس خنیفر، مدیر حراست، تلاش کردند از ورود آنان به کارخانه جلوگیری کنند اما این کارگران که تا همین چند ماه پیش، تمام عمر خود را در بدترین شرایط در آنجا مشغول بکار بوده اند از این اقدام توهین آمیز مدیر حراست بشدت خشمگین شده و بدنبال درگیری لفظی با مامورین حراست، در حالی که در تلاش بودند با بالا رفتن از درب ورودی وارد محوطه شوند نگهبانان ناچار به گشودن درب ورودی شدند. کارگران شاغل بیش از دو ماه دستمزد طلب دارند و حق سنوات و بیمه بخشی از کارگران بازنشسته نیز ماهها است علیه وعده های مکرر مدیر کارخانه پرداخت نشده است. کارگران نه تنها خواهان پرداخت فوری این اقلام هستند بلکه همچنین خواهان پایان دادن به اخراج، بازگرداندن کارگران اخراجی به سر کار، جمع کردن دوربین های مداربسته که به منظور کنترل کارگران و امنیتی کردن فضای کارخانه نصب شده و جمع کردن بساط نیروی مزدور حراست میباشند. اتحاد بخش های مختلف

امروز دوم مرداد کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی خانواده های کارگران نیز در مقابل درب شرکت تجمع کرده و به کارگران حاضر در تجمع داخل محوطه صنعتی پیوستند. سپس کارگران از شرکت خارج شده و همراه با خانواده هایشان جاده شهر حر به هفت تپه را بستند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. کارگران اعلام کردند که فردا نیز به اعتصاب و تجمع و بستن جاده ادامه خواهند داد.

مدیریت شرکت سرپرستان را زیر فشار گذاشته است که مانع ادامه اعتصاب کارگران شوند. از ساعت ۱۱ صبح حضور نیروهای انتظامی و لباس شخصی محسوس بود. لازم به توضیح است که ماهها و هفته های متوالی است که کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب و تجمع میزنند تا خواست های خود را به کرسی بنشانند. بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، "روز اول مرداد نیز هنگام ورود کارگران بازنشسته به کارخانه، مامورین حراست با دستور



کمونیسم کارگری پس از منصور حکمت این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی تدوین شده است

محمود احمدی پانزده سال از مرگ منصور حکمت میگذرد. اولین سوالی که مطرح میشود اینست که کمونیسم کارگری امروز در چه موقعیتی قرار دارد؟

حمید تقوائی: در این تردیدی نیست که مرگ منصور حکمت ضربه سنگینی بود، نه فقط برای حزب بلکه، برای کل جنبش کمونیستی در ایران و در دنیا. منصور حکمت در واقع نماینده و چهره کمونیسم عصر ما بود. بخصوص بعد از فروپاشی بلوک شرق هجوم عظیمی علیه کمونیسم آغاز شد. مرگ کمونیسم را اعلام کردند و گفتند دنیا همین است که هست و تنها نظام و آلترناتیو ممکن سرمایه داری است. تمام تلاششان را بکار بردند که رادیکالیسم و آرمانخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی عمیق سوسیالیستی جایی در دنیا نداشته باشد. منصور حکمت در پاسخ و در برابر این هجوم ضد کمونیستی و فوق ارتجاعی پرچم کمونیسم کارگری را بلند کرد و نشان داد که آن نوع "کمونیسم" ای که شکستش را اعلام میکنند، در واقع به رهایی بشریت و به سوسیالیسم و به کمونیسم نوع مارکس ربطی ندارد. او اعلام کرد با فروپاشی بلوک شرق تازه، دوران پیشروی کمونیسم واقعی، کمونیسم کارگری، سوسیالیسمی که میتواند رهایی و آزادی کارگران و بشریت را به ارمغان بیاورد، آغاز میشود. چرا که آن تحریفات و خس و خاشاک و آن تبلیغات و عوامفریبی هائی که سرمایه داری دولتی را سوسیالیسم معرفی میکرد، کنار رفته بود و علیرغم تهاجم اولیه بورژوازی جهانی، زمینه اجتماعی مساعدی برای سر بلند کردن کمونیسم نوع مارکس فراهم شده بود.

پیش بینی منصور حکمت این بود که دوره یکه تازی و جشن و پایکوبی سرمایه داری دیری نخواهد پانید و نیاز بشریت به سوسیالیسم و کمونیسم نوع مارکس بیش از پیش عیان خواهد شد. اگر بخاطر داشته باشید در آغاز سال دو هزار در یک

همه پرسى مارکس محبوترین شخصیت هزاره شناخته شد. چندی نگذشت که بر متن بحران مزمن اقتصادی و بن بست و نافرجامی نظم نوین جهانی سرمایه داری، معلوم شد دنیا بیش از همیشه، به مارکس و نقد عمیق او و سوسیالیسم و چشم اندازی که در برابر بشریت قرار میدهد، احتیاج دارد.

منصور حکمت این نقد و چشم انداز را نمایندگی میکرد. حزب کمونیست کارگری بر این مبنا شکل گرفت و این حزب بعد از درگذشت منصور حکمت او را زنده نگهداشت.

بعد از منصور حکمت این پیش بینی او که توده مردم و "جهان متمدن" بیدار خواهند آمد و "غول خفته بیدار خواهد شد" به تحقق پیوست. منصور حکمت جنگ خلیج را طلوع خونین نظم نوین جهانی نامید و پیش بینی کرد که ارتجاعی ترین نیروهای قومی و مذهبی یک تاز میدان خواهند شد.

پس از یازده سپتامبر نوشت جنگ تروریستها آغاز شده است ولی این شرایط تغییر خواهد کرد و بشریت متمدن بیا خواهد خاست. این اتفاق افتاد، منتهی زمانی که متأسفانه خود منصور حکمت در قید حیات نبود. جنبشهای اعتراضی وسیعی در دنیا و در ایران شکل گرفت و زمینه مساعدی ایجاد شد برای اینکه کمونیسم منصور حکمت در مرکز سیاست حضور بهم برساند، فعال بشود، نیرو جمع کند و حقانیت نقد عمیق و اهداف و سیاستهایش را به همه نشان بدهد. در این شرایط حزب ما توانست در عرصه های مختلف مبارزه در خارج و داخل کشور فعال بشود و سیاستهای کمونیسم کارگری را به پیش ببرد.

تا آنجا که به شرایط ایران مربوط میشود حدود یکسال از مرگ منصور حکمت گذشته بود که دیدیم ابتدا در کردستان و سپس در شهرهای دیگر ایران دور تازه و پرتحرکی در جنبش کارگری آغاز شد و این جنبش قدمهای بلندی بجلو برداشت. چهره ها و نهادهای متعددی که امروز در جنبش کارگری در سطح جامعه فعال هستند و نقد و

اعتراض و آمال توده های مردم زیر خط فقر را نمایندگی میکنند همه در پانزده سال اخیر قدم بیدان گذاشتند و حزب ما در این پیشروها نقش مهمی ایفا کرد. هر ناظر منصفی که بخواهد تاریخ دوره اخیر جنبش کارگری را بررسی کند، نمیتواند حضور و نقش فعال و موثر حزب ما را نادیده بگیرد. این دو درهم تنیده شده اند. به نظر من اولین و مهمترین شاخص در ارزیابی موقعیت کمونیسم کارگری، ۱۵ سال بعد از درگذشت منصور حکمت، جایگاه امروز حزب ما در جنبش کارگری ایران است. من به یکایک دستاوردها و پیشروهای حزب در این عرصه نمی پردازم. فکر میکنم کسانی که با مبارزات کارگری اندک آشنائی داشته باشند بخوبی این دستاوردها و پیشروها را میشناسند و بر نقش و جایگاه حزب ما در این جنبش بخوبی واقف اند.

حزب ما در عرصه های دیگر مبارزه نیز پیشرفتها و دستاوردهای ارزشمندی داشته است. ما توانسته ایم در برابر اسلام سیاسی و دولتها و نیروهای اسلامی در ایران و در سطح دنیا محکم بایستیم و در مواردی آنرا به عقب برانیم. ما توانسته ایم سنگسار را عملاً در ایران متوقف کنیم. یک نقطه درخشان مبارزه ما علیه سنگسار، کمپین جهانی و قدرتمند علیه حکم سنگسار سکنیه محمدی آشتیانی بود که با نجات جان او به پیروزی رسید و این نقطه عطفی در به عقب راندن و به شکست کشاندن جمهوری اسلامی در این عرصه بود.

در مباره علیه اعدام نیز ما دستاوردهای زیادی داشته ایم. کمیته بین المللی مبارزه علیه اعدام توانسته است جان خیلی ها را نجات بدهد و امروز مبارزه علیه مجازات اعدام به یک جنبش وسیع در ایران تبدیل شده است. حتی برخی از احزاب و نیروهای راست هم مخالفشان را با مجازات اعدام اعلام کرده اند. پرچم این مبارزه در دست ما است. نه تنها از لحاظ نظری و سیاسی بلکه در عمل و در برخورد به موارد مشخص و پرونده

های متعددی این حزب علیه احکام اعدام و علیه نفس مجازات اعدام فعالیت کرد و جمهوری اسلامی را به عقب نشینی واداشت. در سطح بین المللی هم ما بویژه در مبارزه علیه اسلام سیاسی پیشروهای محسوسی داشته ایم...

محمود احمدی: سؤال بعدی من به همین وضعیت بین المللی و نقش حزب مربوط میشود. یکی از مبانی کمونیسم کارگری دخالتگری و تغییر وضعیت موجود است. منصور حکمت در رابطه با جنگ تروریستها بر این نکته تأکید میکند که بشریت متمدن و کمونیسمی از نوع ما میتواند این وضعیت را عوض کند. از سوی دیگر امروز نیروهای اسلامی هار تر و وحشی تر شدند و نیروئی مثل داعش بیدان آمده که جلوی دوربینها کردن میزند و در توحش و جنایت حد و مرزی نمیشناسد. سوالی که اینجا مطرح میشود اینست که کمونیسم کارگری چه دستاوردهائی مشخصاً در مقابله با اسلام سیاسی داشته است؟

حمید تقوائی: فعالیتهای بین المللی حزب علیه اسلام سیاسی، در سطح مشخصی به این سؤال شما هم جواب میدهد. اما یک جنبه دیگر و مهمتر، مقابله توده ای و اجتماعی با اسلام سیاسی است که در ادامه به آن هم خواهیم پرداخت.

تا آنجا که فعالیتهای مشخص حزب مربوط میشود حزب ما توانسته است در موارد متعددی در کشورهای غربی در برابر اسلام سیاسی بایستد و آنرا به عقب براند. بعنوان نمونه ما در کشور کانادا علیه دادگاههای اسلامی که میخواستند لایحه اش را به تصویب برسانند و به قوانین اسلامی و "دادگاههای شریعه" برای مهاجرین از کشورهای اسلامزده رسمیت بدهند کمپین موفقیه را به پیش بردیم. دولت کانادا مجبور شد این لایحه را پس بگیرد و اعلام بکند به اصل سکولاریسم و "یک کشور یک قانون" پایبند است. با همین پرچم "یک کشور یک قانون" ما در انگلستان در برابر اسلام سیاسی

ایستادیم. ما به جنبشی به اسم "اکس مسلم" شکل دادیم که دامنه فعالیت آن از کشورهای غربی فراتر رفته است و امروز حتی در کشورهای اسلامزده شاهد شکل گیری و اعلام موجودیت نهاد اکس مسلم هستیم. پیشروی دیگر فعال شدن حرکت و کارزاری تحت عنوان "زنان سرکش" است. زنانی که از کشورهای اسلامزده ای نظیر عربستان سعودی به اروپا آمده اند. زنانی که قربانی دولتها و قوانین اسلامی بوده اند، اما نه قربانی خاموش و دست و پا بسته آن.

شما به ظهور داعش اشاره کردید. بله ما از یکسو شاهد فعال شدن وحشی ترین نیروهای اسلامی هستیم. سرمایه داری با بیدان آوردن ارتجاعی ترین نیروهای قومی و اسلامی دنیا را به قهقرا و بریریت کشیده است، این ادامه روندی است که منصور حکمت طلوع خونین آن را در مقطع جنگ خلیج اعلام کرد اما فاکتور تازه - باز همانطور که منصور حکمت پیش بینی میکرد- سر بلند کردن بشریت متمدن در برابر این توحش است. امروز یک نیروی عظیم چپ اجتماعی بیدان آمده است که یک نمونه آن سر بلند کردن جنبش اشغال در غرب بود. جنبشی که بروز و نشانه و نماینده تقابل نود و نه درصدی ها در برابر یک درصدیها است. امروز ترم نود نه درصد در برابر یک در صد وارد فرهنگ سیاسی غرب و گفتمان و افکار عمومی توده مردم در همه جای دنیا شده است.

در همان زمان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا انقلابات وسیعی شکل گرفت که به بهار عرب معروف شد. انقلاباتی که با دیکتاتوریهائی تعیین تکلیف کرد و دیکتاتوریهائی را بزیر کشید که ده ها سال خون مردم را در شیشه کرده بودند. این جنبشها و انقلابات به پیروزی نهائی و آزادی و رهایی توده

مردم نیانجامید ولی نشاندهنده این واقعیت مهم بود که توده های مردم دیگر قربانیان خاموش و دست و پا بسته نیستند آنطور که در مقطع جنگ خلیج و یا در مقطع حمله به افغانستان و عراق شاهد بودیم.

امروز در افغانستان جنبش وسیعی علیه بی حقوقی مفرط زنان برافراشته است که آخرین نمونه اش کارزاری است تحت عنوان "نام من کجاست". در افغانستان نام زنان بطور علنی ذکر نمیشود. زنان بعنوان مادر پسرانشان و یا همسر شوهرانشان شناخته میشوند. حتی روی سنگ قبر اسم زنان را نمی نویسند. جنبش نام من کجاست علیه این وضعیت بمیدان آمده است. در کشوری مثل عربستان زنی بلند میشود و حجاب برمیدارد و قرآن را آتش میزند و بعد به اروپا پناهنده میشود و بعنوان یک اکتیویست و چهره جنبش زنان سرکش علیه اسلام و قوانین و اخلاقیات ضد زن اسلامی سخن میگوید و فعالیت میکند و در واقع خواست و آمال انسانی و برحق میلیونها زن در عربستان و در کشورهای اسلامزده را نمایندگی میکند.

در این نبرد با اسلامیسیم و قوانین اسلامی جامعه ایران جای ویژه ای دارد. در ایران یک جنبش وسیع ضد مذهبی در جریان است و یک جنبش گسترده و پیگیر برای رهایی زن. و این دو البته کاملاً با هم مرتبط اند.

جنبش رهایی زن، جنبش علیه اعدام، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، جنبش در دفاع از زندانیان سیاسی، علیه تخریب محیط زیست و غیره و غیره، و بویژه جنبش کارگری که همانطور که اشاره کردم امروز بطور بی سابقه ای گسترش پیدا کرده و پرچم مبارزه علیه بی حقوقی و فقر و شرایط مشقت باری که جمهوری اسلامی به کل جامعه تحمیل کرده است را برافراشته است، همه اینها اجزای مختلف یک تعرض وسیع اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و قوانین و اخلاقیات و نرمهای اسلامی حاکم بر جامعه است.

این جنبشها امروز چهره ها و نهادها و فعالین شناخته شده ای دارند. فعالینی که با تلویزیون کانال

جدید تماس میگیرند و پیام و خواست و فراخوانشان را مطرح میکنند. تلویزیون بیست و چهار ساعته کانال جدید یک دستاورد ارزشمند حزب ما است که امروز به مرجع و تریبون بسیاری از فعالین و جنبشهای اعتراضی بدل شده است. از جمله در برنامه های رودرو که خود شما اجرا میکنید فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش آزادی زنان، فعالین سیاسی، جنبش علیه اعدام، جنبش رهایی زن و غیره با ما تماس میگیرند و از طریق کانال جدید پیام و فراخوانشان را به گوش توده مردم میرسانند.

این شرایط هم نشاندهنده شکل گیری جنبشها و حرکتهای اجتماعی علیه دولتها و نیروهای اسلامی در سطح دنیا و در ایران است و هم بیانگر نقش و جایگاه حزب ما در این جنبشها و مبارزات.

محمود احمدی: شما در مورد دستاوردها و پیشرویها و حضور فعال حزب در عرصه های مختلف مبارزه، علیرغم فقدان منصور حکمت، توضیح دادید. موانع و چالشهای حزب در این دوره چه بوده است؟

حمید تقوایی: من میتوانم بعنوان چالشها به دو فاکتور و تحول مهم که بعد از مرگ منصور حکمت با آن روبرو بودیم اشاره کنم. اولین چالش از دست دادن منصور حکمت بود. بلافاصله بعد از درگذشت منصور حکمت نظراتی در سطح رهبری حزب مطرح شد که با کمونیسم منصور حکمت و جهت گیری و سیاستهای حزب هیچ قرابتی نداشت و کاملاً در نقطه مقابل آن بود. این باعث شد که حزب در همان ماههای اول بعد از درگذشت منصور حکمت وارد یک دوره پر تلاطمی بشود. اکثریت قریب باتفاق اعضا، در سطح رهبری و در بدنه حزب، با آن نظرات موافق نبودند. اما متأسفانه بخشی از کمیته مرکزی، در عین اعلام عدم توافق با این نظرات، عملاً در جبهه دفاع و یا توجیه آن قرار گرفت. این اولین چالش و مانع بر سر راه پیشروی ما بود.

بحث و جدلی حادی در حزب در گرفت و ما نهایتاً توانستیم خط و سیاست رادیکال حزب را تثبیت

کنیم ولی متأسفانه بخشی از رفقای ما در همراهی با نماینده و طرح کننده آن نظرات از حزب رفتند. ما با انشعاب مخالف بودیم و همه بحث ما این بود که با هر اختلاف نظری میتوانیم در حزب بمانیم و حرفتان را بزنید ولی نهایتاً آن رفقا حزب را ترک کردند و حزب دیگری تحت نام حکمتیست تشکیل دادند.

این اولین مانع و چالش بر سر راه ما بود. حزب نهایتاً از این چالش سر بلند بیرون آمد. و پیشرویها و دستاوردهای که به آن اشاره کردم همه حاصل آنست که ما توانستیم آن نظرات راست را کاملاً نقد کنیم و به کنار بزنیم و به پیش برویم. اگر آن نظرات بر حزب مسلط میشد از کمونیسم منصور حکمت و حزیش چیزی بجا نمیمانید.

تحول دیگر در واقع نه یک مانع بلکه یک چالش اجتماعی بود. همانطور که توضیح دادم بعد از درگذشت منصور حکمت اعتراضات و جنبشهای اجتماعی وسیعی شکل گرفت که حزب ما را بمیدان می طلبد. نمونه خیزش ۱۸ تیر ۷۸ (که منصور حکمت آنرا آغاز جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی نامید) در سطح و ابعاد اجتماعی تر و توده ای تری گسترش پیدا کرد. بعنوان نمونه خیزش انقلابی ۸۸ تحولی بسیار عظیم تر و توده ای تر و سیاسی تر از ۱۸ تیر بود.

محمود احمدی: چرا این یک چالش بود؟

حمید تقوایی: چالش بود به این معنی که زمینه برای دخالتگری کمونیسم کارگری فراهم شده بود و منصور حکمت متأسفانه حضور نداشت. کمونیسم کارگری میبایست فعالانه در این جنبشها شرکت میکرد، پرچم شعارها و خواستها و سیاستهای رادیکال کمونیسم کارگری را در دل آنها بلند میکرد، در برابر تحریفات و تلاشهای ارتجاعی نیروهای راست سنگر می بست و به این معنی، بقول منصور حکمت در "قسمت گود استخر سیاست" حضور بهم میرساند. در یک مقیاس وسیع اجتماعی زمینه ای فراهم شده بود برای عملی کردن و به پیش بردن سیاستها و نظرات منصور حکمت و

این نیروئی ده ها برابر آنچه حزب داشت را، بمیدان می طلبد.

حزب ما از این چالش هم سر بلند بیرون آمد. اگر ما در برابر آن نظرات راست نمی ایستادیم و نمیتوانستیم آن چالش اول را با موفقیت پاسخ بدهیم طبعاً در جامعه و در رابطه با جنبش کارگری و مبارزات و اعتراضات اجتماعی هم بجائی نمیرسیدیم. منصور حکمت را، حزب ما زنده نگهداشت. پراتیک و دخالتگری و فعالیت پیگیر مورد تاکید منصور حکمت، امروز یک متد و خط جا افتاده و تثبیت شده در حزب ماست.

محمود احمدی: شما حدود ۵ سال قبل، در نوامبر ۲۰۱۲، بحث نزدیکی و اتحاد با نیروهای کمونیسم کارگری را، مطرح کردید. سئوالی که پیش می آید اینست که زمینه های این بحث چه بود و چه هدفی را دنبال میکرد؟

حمید تقوایی: مهمترین علت طرح این بحث این بود که آن خط و جهتگیری ای که در حزب کمونیست کارگری بعد از مرگ منصور حکمت مطرح شد و نقد و کنار زده شد و نهایتاً به انشعاب و تشکیل حزب حکمتیست منجر شد، در آن حزب هم، کنار زده شد. اینکه به چه دلیلی و با چه نقلی بحث دیگری است که اینجا واردش نمیشوم. در هر حال، امروز نماینده آن خط و سیاست یک گروه کوچکی است که خودش را "خط رسمی" مینامد. در سال ۲۰۱۲ حزب حکمتیست حساب خودش را از آن خط جدا کرد. این را هم تاکید کنم که حتی در مقطع انشعاب هم، اکثر قریب به اتفاق رفقای جدا شده، آن نظرات را قبول نداشتند و بدلیل دیگری انشعاب کردند که اینجا مورد بحث نیست. در هر حال، ما خواستار جدائی این رفقا از حزب نبودیم چون بعد از یک جدل یکساله، آن نظرات دیگر جایی در حزب نداشت.

با جدائی خط رسمی در سال ۲۰۱۲، این چشم انداز در برابر ما قرار گرفت که نزدیکی و اتحاد با رفقای آن که از حزب جدا شدند، امر ممکن است و میتوان در چهارچوب کمونیسم کارگری و درک و تلقی ای که از خط و نظرات منصور حکمت

داریم، فعالیت و مبارزه مشترکی را به پیش برد. بحث ما این بود که گذشته، دیگر ملاک ما نیست. هر جدل و بحث و اختلافی داشته ایم، مربوط به گذشته است. بحث بر سر مواضع و سیاستهای امروز نیروهای است که، خود را طرفدار منصور حکمت و برنامه یک دنیای بهتر میدانند.

محمود احمدی: یعنی این نیروها را متعلق به یک جنبش میدانستید؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید تاریخ قضاوت کند کی جزء کلام جنبش است. جنبش کمونیسم کارگری، آنطور که خود منصور حکمت آنرا تعریف میکند و توضیح میدهد، حول یک شخص و یا خط و نظر و یا یک برنامه شکل نگرفته است. بر عکس جنبش کمونیسم کارگری یک واقعیت عینی و داده شده در جامعه است و تنوریسینها و چهره ها و احزاب چپ و کمونیستی بازتاب و بر آمده از آن جنبش عینی هستند. بنابراین، طرفداری از منصور حکمت تعریف جنبش کمونیسم کارگری نیست، یا حتی طرفداری از برنامه یک دنیای بهتر و یا هرکسی بخودش میگوید کمونیست کارگری. همانطور که هر کس خودش را مارکسیست میدانند را نمیتوان جزو جنبش کمونیستی محسوب کرد. "مارکسیستهای" غیر کارگری کم نیستند. از حزب توده ایران تا حزب "اس دبلو پی" انگلیس که طرفدار حسن نصرالله است. بهمین ترتیب هم طرفداری از منصور حکمت، و یا خود را کمونیست کارگری نامیدن، نمیتواند ملاک باشد.

ملاک ما نه ایدئولوژیک است و نه تشکیلاتی. نه فکر میکنیم نفس بزرگ شدن تشکیلات و متحد شدن هرکس که با هر سیاست و نظری خودش را کمونیست میدانند، باعث تقویت طبقه کارگر و جنبش کمونیستی میشود، و نه خواهان اتحاد حول ایدئولوژی و وحدت هر کس که به مارکس یا منصور حکمت قسم میخورد هستیم. ملاک ما سیاسی است. ملاک ما این است که جهتگیری و مواضع و سیاستها و پراتیک مبارزاتی هر حزب و نیروئی در رابطه با جامعه پر تحول و پر جنب

و جوش ایران چیست. معیار ما اینست که در رابطه با جنبش کارگری، جنبش رهایی زن، جنبش اته نیستی و ضد مذهبی، جنبش سکولاریستی، جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش دادخواهی از کشتار دهه شصت، جنبش علیه تخریب محیط زیست، خیزش های توده ای مانند خیزش میلیونی سال ۸۸ و غیره و غیره چه میگوئید و چه میکنید. ما معتقدیم باید با یک سیاست رادیکال کمونیستی در همه این اعتراضات شرکت کرد، آنها را سازمان داد و رهبری کرد. هر نیروئی در این جهت فعالیت کند، عملاً نیروئی متعلق به جنبش کمونیسم کارگری است. کاری نداریم که در گذشته چه میگفته است و حتی خودش را طرفدار منصور حکمت میدانند و یا نمیدانند.

شرط عضوگیری برای حزب ما این نیست که باید طرفدار منصور حکمت بود. بر خلاف رفقائی که خود را حکمتیست مینامند. ما فکر میکنیم این یک اسم ایدئولوژیک است که با نظریه حزب سیاسی منصور حکمت مغایرت دارد. حتی مارکسیست بودن شرط عضویت در حزب ما نیست. هرکس برنامه یک دنیای بهتر را قبول داشته باشد و برای تحقق این برنامه و یا بخشی از آن مبارزه کند به حزب ما خوش آمده است. ما از کسی امتحان ایدئولوژیک نمیگیریم که حکمتیست هست یا نیست، منصور حکمت را قبول دارد یا نه و یا حتی مارکس را قبول دارد یا قبول ندارد. روشن است که حزب کمونیست کارگری حزب مارکسیست است و بر مبنای نظرات منصور حکمت بنا شده، ولی شاخص ما تعلق ایدئولوژیک نیست. شاخص ما اینست که پراتیک شما، مبارزه شما و آمال و خواسته ها و اهداف شما تا چه اندازه با آمال و اهداف و پراتیک حزب که در برنامه یک دنیای بهتر و سیاستهای مصوب حزب مطرح شده، منطبق و هم جهت است.

بر این اساس، وقتی ما بحث اتحاد را در سال ۲۰۱۲ مطرح کردیم، این، مشخصاً یک بحث سیاسی بود بر مبنای و در چهارچوب دخالتگری و فعالیت و جهت گیری که حزب ما در جامعه به پیش میبرد.

محمود احمدی: امروز پروژه اتحاد به کجا رسیده است؟

حمید تقوائی: من در همان بحثی که در سال ۲۰۱۲ مطرح کردم، به موانع امر نزدیکی و اتحاد هم اشاره کردم. یکی از این موانع یک نوع هویت تراشی تشکیلاتی برای خود بود در دوره بعد از منصور حکمت. همین مانع متأسفانه، باعث شد که رفقای حکمتیست از این بحث و فراخوان استقبال نکنند. آنها با اسم حکمتیست یک هویتی برای خودشان ساخته اند که بویژه امروز دیگر از نظر سیاسی معلوم نیست چه معنایی دارد. چون بطور واقعی خط رسمی، همانطور که خودش ادعا میکند، نماینده حکمتیسم است و همچنان همان نظرات و جهتگیریها را ادامه میدهد. با این همه، حکمتیسم و حزب حکمتیست تبدیل شده است به یک سابقه و هویتی که بعنوان یک مانع اساسی بر سر راه نزدیکی و اتحاد عمل میکند.

آن پیش بینی من که بعد از جدا شدن خط رسمی این دو حزب از نظر عملی و سیاسی به یکدیگر نزدیک خواهند شد، درست بود. یک نمونه مشخص این امر برخورد به جنگ علیه داعش در موصل است. خط رسمی به سیاق همیشه از یک موضع ضد آمریکائی شبیه مواضع نیروهای مثل "اس دلبیو پی" حمله به داعش را محکوم کرد. ولی حزب حکمتیست این موضع را نداشت و مانند حزب ما برخوردش این بود که این جنگ تروریستها است. اگر آمریکا و متحدینش میخواهند داعش را از موصل بیرون کنند، ما نباید در مقابلش بایستیم و آنرا محکوم کنیم. وظیفه ما نمایندگی کردن مردم در برابر هر دو این قطبهای ارتجاعی است و نه محکوم کردن جنگ آنها. شبیه موضعی که منصور حکمت در مورد حمله به افغانستان داشت. نمونه های دیگری هم هست که بیشتر توضیح نمیدهم.

در هر حال نکته مورد نظر من اینست که در عین اینکه رفقای حزب حکمتیست عملاً از آن نظرات و مواضع گذشته شان دور میشوند اما، یک هویت تشکیلاتی ۱۵ ساله ای دارند که عملاً مانع نزدیکی های بیشتر و اتحاد دو حزب است.

در هر حال مانع هر چه هست و به هر دلیلی، این رقفا از بحث اتحاد استقبال نکردند. اما از نظر ما بحث و پیشنهاد اتحاد هنوز روی میز است. ما همچنان خواهان آن هستیم که هر کس خودش را طرفدار برنامه یک دنیای بهتر و منصور حکمت میدانند در یک حزب فعالیت کند. بخصوص حزب ما که سیاست دخالت فعال در عرصه های مختلف اعتراضات اجتماعی را دنبال میکند به نیروئی ده ها برابر نیروی موجود احتیاج دارد. حزبی که میخواهد صرفاً موضع بگیرد و دنیا را تفسیر کند و از شرکت در هر مبارزه و عرصه ای، به این بهانه که نیروهای راست هم در آن حضور دارند، احتراز کند و مثلاً کل خیزش ۸۸ را بحساب موسوی و کروبی بگذارد، این نوع احزاب به اعضا و کادرهای زیادی احتیاج ندارند. یک گروه ده نفره هم میتوان چنین موضعی بگیرد و خودش را هم خیلی موفق و رادیکال احساس کند. اما برای کمونیسم کارگری آنطور که ما آنرا میشناسیم و تعبیر و نمایندگی میکنیم و پیاده و پراتیک میکنیم، نیروئی هزار برابر نیروی موجود هم هنوز کم است. به این خاطر است که ما میگوئیم بحث اتحاد هنوز باز و روی میز هست. ولی طبعاً اتحاد امری دوطرفه است. این کاملاً بستگی به این رقفا دارد که آیا میخواهند در چهارچوب یک حزب واحد فعال و دخالتگر همگوش ما مبارزه کنند و یا همچنان گذشته شان بر آنها سنگینی میکند. این سئوالی است که امروز در برابر این رقفا قرار گرفته است.

محمود احمدی: روشن است کسی که به سیاست و یا تاکتیک معینی اعتقاد دارد طبعاً تلاش میکند آنرا متحقق بکند. سئوالی که اینجا مطرح میشود اینست که علیرغم اینکه آن رقفا واکنش مثبتی نشان نداده اند، شما چه اقدامات دیگری را برای پیشبرد این پروژه در نظر دارید؟

حمید تقوائی: در یک سطح عمومی و اجتماعی بحث اتحاد یک جهتگیری تازه ای برای حزب ما است. همانطور که اشاره کردم ما نه ایدئولوژی و نه طول و عرض

تشکیلاتی را، معیار نزدیکی کمونیستها نمیدانیم. نزدیکی و همجهتی نه تنها در میان نیروهای که بعنوان کمونیسم کارگری شناخته میشوند، بلکه در میان نیروهای جنبش کمونیستی علی العموم، معیار ما برای دوری و نزدیکی، از اتحاد بگیرد تا ائتلاف و وحدت عمل و غیره، موضع و سیاست و پراتیک امروز این نیروها است. این یک جهت گیری است که ما دنبال میکنیم و در این راستا هر اقدامی که لازم باشد را، انجام خواهیم داد. ما حاضریم با هر نیروئی برای فعالیت مشترک در همه عرصه ها و جنبشهای مبارزاتی که برشردم ائتلاف و همکاری کنیم و کنار یکدیگر قرار بگیریم.

در این میان بحث ما با افراد و محافلی که طرفدار منصور حکمت و برنامه یک دنیای بهتر هستند، اینست که هیچ چیزی جدائی شما از حزب را توجیه نمیکند. فعالین و افراد و محافلی در ایران و در خارج کشور هستند که بعد از منصور حکمت بطور "مستقل" و جدا از احزاب فعالیت میکنند. فراخوان ما مشخصاً به این رقفا اینست که به حزب کمونیست کارگری بپیوندید. این رقفا نیز بعضاً تئوریهائی در توجیه حزبی نبودن و عدم حزبییت ساخته اند و اینکه گویا کمونیسم کارگری بعد از منصور حکمت پراکنده و متلاشی شده است و شخص و یا محفل آنان منصور حکمت را نمایندگی میکند. این هم یک نوع سابقه و هویت تراشی برای خود و جمع و محفل خود است. همانطور که در امر اتحاد دو حزب نیز این هویت تراشی های تشکیلاتی

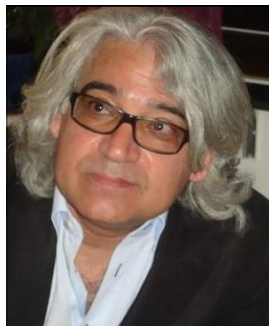
یک مانع اساسی است. یک وظیفه ما نقد و مقابله با چنین نظراتی است.

اما منظور من، از اینکه باید دید حزب حکمتیست چه میگوید، مربوط به بحث و پیشنهاد مشخصی است که در سال ۲۰۱۲ مطرح کردم. همه میدانستیم که اتحاد امری نیست که در عرض چند ماه و حتی یکی دو سال اتفاق بیفتد. این امر به یک روند و یک پروسه نسبتاً طولانی نیاز دارد. ولی آن بحث میتوانست به جلسات متعدد مذاکره و هم نظری و دیالوگهای بیشتر و بحث ها و سمینارهای علنی حول مساله نزدیکی و اتحاد منجر بشود. این اتفاق نیفتاد. در این سطح، حزب ما، دیگر نمیتواند بطور یکطرفه اقدامی بکند. ولی در یک مقیاس وسیعتر اجتماعی میتوانیم و وظیفه داریم این خط را دنبال کنیم. مهمترین عاملی که میتواند در این جهت موثر باشد پیشروی و قدرتیگیری بیشتر خود حزب است. هر چه حزب ما بتواند فعالیت خود را گسترش بدهد و سیاستها و شعارها و اهداف کمونیسم کارگری را در سطح وسیع تر و بطور فعالتری در جنبش کارگری و در سایر جنبشهای اعتراضی به پیش ببرد، گوشها بیشتر باز خواهد شد. هر چه بیشتر در عمل مشخص بشود که جهتگیری و سیاستهای حزب، از مقطع مرگ منصور حکمت تا امروز، در خدمت تقویت کمونیسم کارگری بوده است، بهمان نسبت زمینه های نزدیکی بیشتر و نهایتاً اتحاد دو حزب، بیشتر فراهم خواهد شد. به این معنی همه چیز هنوز بعهد ماست.

هاتبرد ۸



فرکانس	ترانسپوندر
۱۱۲۰۰	۵/۶
بولاریزاسیون	سیمبل ریت
عمودی	۲۷۵۰۰



ضیافت خون در اوین

میزگرد با شیوا محبوبی و حسن صالحی در مورد کمپین علیه بازدید مهندسی شده سفرای خارجی از زندان اوین

چهارشنبه ۱۴ تیر در محوطه زندان اوین نشست با حضور مسئولین قوه قضائیه جمهوری اسلامی و همچنین مسئولین زندان اوین با ده ها تن از سفرای کشورهای خارجی در ایران، برگزار شد. پس از برگزاری این نشست موجی از افشاگری و اعتراض از درون و بیرون زندان اوین شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. با شیوا محبوبی سخنگوی کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و حسن صالحی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام به گفتگو می نشینیم.

خلیل کیوان: چرا جمهوری اسلامی مبادرت به برگزاری چنین مراسمی کرده است؟

حسن صالحی: اجازه دهید در پاسخ به سؤال شما من نقل قولی از کاظم غریب آبادی، معاون امور بین الملل ستاد حقوق بشر قوه قضائیه بیاورم که دلیل را توضیح می دهد. او می گوید:

«ما امروز محیط زندان اوین را به حدود ۵۰ سفیر کشورهای خارجی از ۵ قاره جهان نشان دادیم تا بی اساس و واهی بودن ادعاهایی که در مورد وضعیت زندان های ایران مطرح می شود، نمایان گردد.»

یعنی جمهوری اسلامی با این نمایش مسخره می خواست به جهانیان نشان دهد که اخبار و گزارشات منتشر شده در باره اوضاع فاجعه آمیز زندانها تماما کذب است و صحت ندارد و وضع زندانها چنان خوب است که اصلا زندانیان دوست دارند باقی عمرشان را همانجا بمانند!!

این تلاش مذبحخانه از جانب رژیم صورت می گیرد که با همه باندهایش علیه مردم ایران روزانه جنایت می کند و در همانحال زیر فشار اعتراضات گسترده داخلی و جهانی می خواهد خود را تبرئه کند. حقیقت این است که جمهوری اسلامی بارها از سوی نهاد ها و مجامع بین المللی به خاطر نقض حقوق بشر محکوم شده است. کفایت به یاد بیاوریم که در سال گذشته نحوه برخورد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با فعالین اجتماعی و سیاسی، کارگران، روزنامه نگاران و بهائیان ... به دفعات از سوی کمیته حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل و نهادهای بین المللی مورد انتقاد و اعتراض قرار داشت.

از طرف دیگر باید به خاطر داشت که در سال گذشته دهها زندانی سیاسی در زندان دست به اعتصاب غذا زدند که این حرکات بازتاب جهانی گسترده ای داشت. زندانیان برای رفع اتهامات امنیتی علیه فعالین اجتماعی، احکام ناعادلانه زندان، نداشتن مرخصی استعلاجی و عدم دسترسی به امکانات پزشکی که در موارد متعددی به مرگ زندانیان منجر شده است، عدم تفکیک محکومان بر اساس جرائم، و همچنین به احکام طولانی و روند دادرسی ناعادلانه بارها اعتراض خود را نشان داده اند. اعتراضاتی که با همراهی خانواده ها و همبستگی عمومی بسیاری روبرو گردید. همه اینها باعث شد که وضعیت غیرانسانی زندانهای ایران مورد توجه جهانیان واقع

شود و جمهوری اسلامی تحت فشار افکار عمومی جهان قرار گیرد. ترتیب دادن یک دیدار نمایشی از زندان اوین با این هدف صورت گرفت که این فشارها پس زده شود و با ارائه یک تصویر دروغین و مهندسی شده از اوین چهره آدمکش و جنایتکار جمهوری اسلامی بزرگ شود. غافل از اینکه جمهوری اسلامی در بکاربردن خشونت و جنایت علیه مردم ایران چنان کارنامه خونینی دارد که با هیچ تزئینی نمی توان آنرا پنهان کرد. این رژیم است که با اعمال ترور و سرکوب و بی حقوقی گسترده به مردم ایران گوی سبقت را از سیاهترین رژیم های مستبد دنیا ربوده است. زندانی که سهل است. مردم عادی و کوچه و خیابان خواب خوش و راحتی با وجود این رژیم سیاه و نکبت نازند.

خلیل کیوان: زندان اوین معروف ترین زندان ایران است. بعید است که سفرای خارجی در مورد سفاکی حکومت و بی حقوقی زندانیان بی اطلاع باشند. چرا حاضر شده اند در این مراسم شرکت کنند؟

شیوا محبوبی: بله، زندان اوین نه تنها در ایران، بلکه در دنیا شناخته شده است. تمام سفرای خارجه ای که در این برنامه شرکت کرده بودند به خوبی به وضعیت زندان اوین و کلا وضعیت نقض حقوق انسانی در ایران واقف هستند. برخی از این دولتها چند تن از شهروندان دو تابعیتی شان در زندان اوین بسر میبرند. برای مثال احمد رضا جلالی مقیم سوئد میباشد که در سفرش به ایران دستگیر و

اکنون در زندان اوین است و دولت سوئد از این موضوع مطلع میباشد. دولت انگلستان سه تن از شهروندان دو تابعیتی اش سالهاست در اوین زندانی میباشد. در طول دهه اخیر این دولتها گزارشات متعددی از وضعیت زندانها در ایران دریافت کرده اند.

طی سال های اخیر، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بارها، با ارسال گزارشات مختلف به دولتها و سازمانهای جهانی، در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی و زندانها، و به ویژه زندان اوین و رجایی شهر، اطلاع رسانی کرده است. این دولتها کاملاً در جریان وضعیت زندان اوین میباشد، اما ترجیح داده اند چشم شان را بر واقعیت ببندند. بر کسی پوشیده نیست که دولتها، عموماً در جهت منافع سیاسی-اقتصادی خودشان و نه در راستای منافع مردم، اقدام میکنند. پس از توافقات هسته ای ما شاهد این بوده ایم که دولتهای غربی برای ایجاد رابطه اقتصادی و سرمایه گزاری در ایران با همدیگر مسابقه میدهند. این دولتها با این توجیه که میخواهند، "کانال گفتگو و مراد" را، با رژیم باز بگذارند، از هر فرصتی برای پهن کردن فرش قرمز زیر پای جنایتکاران رژیم استفاده میکنند. اتحادیه اروپا در زمانی که مذاکرات اتمی در جریان بود، علناً در ملاقاتی که با ما داشتند اعلام کردند که حاضر نیستند مذاکراتشان را قربانی مسئله حقوق بشر بکنند. نمونه دیگری که شاهدش بودیم سفر روحانی به ایتالیا بود. در این سفر دولت

ایتالیا به جای اعتراض به تبعیض جنسی و ستمکشی زنان در ایران، مجسمه های برهنه موزه یی را که روحانی از آن بازدید میکرد را، با پارچه و جعبه پوشاندند. به نظر من به هیچ عنوان جای تعجب نیست که این دولتها وقیحانه در این نمایش بازدید از زندان اوین، شرکت کرده اند. این بازدید شان در راستای سیاست مماشات با رژیم است. یک نکته مهم در این بازدید نمایشی، این بود که دولتهای شرکت کننده و رسانه هایشان پوشش بسیار محدودی رسانه ای به آن داده بودند و این خود نشان میدهد که این دولتها بروشنی میدانستند که شرکتشان در این نمایش، مورد اعتراض مردم قرار خواهد گرفت. به نظر من دولتهای شرکت کننده باید به شدت مورد اعتراض قرار بگیرند و از آنها خواست که در مقابل شرکت خود در این مراسم جوابگو باشند.

خلیل کیوان: در عکس العمل به این بازدید مهندسی شده شاهد اعتراضاتی بوده ایم. شما نیز کمپین مشترکی را اعلام کرده اید. قدری در مورد این اعتراضات بگویید. کمپین شما چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است؟

حسن صالحی: هدف از کمپینی که ما به پیش می بریم طبعاً این است که در درجه اول تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی در باره وضعیت زندانها در ایران را خنثی کنیم و در پرتو آن حقایق مربوط به نقض حقوق پایه ای مردم ایران و فجایع روزمره در زندانهای

حکومت اسلامی ایران را برای جهانیان روشن سازیم. ما به مشارکت سفیران خارجی در چنین مراسم نمایشی نیز شدیداً معترضیم. اولین شکنجه گاه و قتلگاه است. در طول حیات این رژیم هزاران نفر در این زندان شکنجه و اعدام شده اند. سفرای خارجی در ضیافتی شرکت کردند که من اسم آنرا ضیافت خون می گذارم. خون بهترین فرزندان مردم ایران در این قتلگاه جاری شده است؛ درست در جایی که جمهوری اسلامی سفرای خارجی را به چای و شیرینی و "گفتگو" دعوت کرد. هیچ انسان شریف و آزاده ای نمی تواند از این بگذرد. از نظر ما هیچ عذر و بهانه ای برای شرکت سفرای خارجی در این مراسم مدحش، قابل قبول نیست. می توانستند نروند. می توانستند بگویند که اگر راست می گویند هیئت های بی طرف سازمان ملل و دیگر مجامع شناخته شده جهانی را به این دیدارها ببرید. می توانستند شرط بگذارند و بگویند می خواهیم با زندانیانی نظیر آتنا دائمی، گلرخ ایرایی و دیگران دیدار داشته باشیم. هیچکدام از این شروط را نگذاشتند. بازچه دست جمهوری اسلامی شدند. ما و مردم ایران هیچگاه این را نخواهیم بخشید. ما البته بخوبی واقفیم که بسیاری از دول جهان و بخصوص دول غربی از جنایات جمهوری اسلامی در زندانها و در جامعه ایران بخوبی آگاهی دارند، ولی حفظ روابط تجاری و معاملات پر سود اقتصادی با جمهوری اسلامی باعث می شود که آنها در محکومیت علنی و قاطع این جنایات دست به عصا بشوند. کمپین ما با انتشار نوشته ها و اطلاعیه های متفاوتی به زبانهای فارسی و انگلیسی شروع شد. با انتشار يك اطلاعیه انگلیسی مردم را در کشورهای مختلف از اقدامی که انجام گرفته مطلع ساخته و از آنها خواستیم تا دولتتها را برای مشارکت در این نمایش

مورد بازخواست قرار دهند. در همانحال يك نامه به سفیران خارجی ارسال کردیم و خواهان پاسخ شدیم. این در حالیست که متن این نامه را نیز علنی منتشر کردیم و از عموم خواستیم آن متن و یا هر متن دیگری را به نشانه اعتراض به سفارتهای خارجی در ایران ارسال کنند.

اعتراضات ما و دیگر آزادیخواهان باعث واکنش جمهوری اسلامی شد. محسن اژه ای معاون اول قوه قضاییه جمهوری اسلامی منجمله گفت: "بعضی ضد انقلاب یا ایرانیان که خارج هستند از این بازدید که مورد تحسین بوده اظهار نارضایتی کردند که باید برای آنها تاسف خورد." معلوم است که اعتراض ما صدا داشته است. اژه ای لازم نیست برای ما تاسف بخورد. برود فکری به حال خودش کند. دیر یا زود بساط این داعشی های ایران توسط مردم جارو خواهد شد و آنوقت این حضرات از دست عدالت کجا می خواهند قایم شوند؟

از سوی دیگر سفارت سوئد در پاسخ به ما جواب داد که "بخوبی از شرایط نامساعد زندان اوین آگاه هستند" و نوشتند که "ما می دانیم که در اوین افرادی بدون داشتن دادگاه و به دلیل فعالیت سیاسی خود در اسارت نگاه داشته شده اند." با اینحال اینها فقط به این بسنده کردند که ما این مسایل را با "طرف ایرانی خود" مطرح می کنیم.

در آلمان نیز روزنامه بیلد با انتشار يك مقاله، نماینده دولت این کشور را به خاطر شرکتش در دیدار از زندان اوین مورد انتقاد شدید قرار داد. این روزنامه منجمله نوشت: "بنظر می رسد حکومت در ایران برای ارائه يك ایمیج و تصویر بهتر از خود تقلا میکنند. قوه قضاییه این حکومت يك گردش علمی! و يك پیک نیک در اوین سازمان میدهد. در شکنجه گاه اوین در شمال تهران و سفیر دولت آلمان در این شو حاضر

میشود". همچنین ما از سفارت جمهوری چک در ایران نامه ای دریافت کردیم که بر اساس آن سفیر چک در این دیدار شرکت نداشته چرا که در آنزمان در ایران نبوده است.

ازم است اشاره کنم ضرغام اسدی فعال کمیته بین المللی علیه اعدام در سوئد که در پی تلاش او اولین بار سفارت سوئد در تهران مجبور به جواب دادن در باره این دیدار شد يك نامه به زبان سوئدی نیر برای رسانه های جمعی در سوئد ارسال داشت و این مسئله را انعکاس داد.

خلیل کیوان: کمپین تا کی ادامه دارد و چه اقدامات دیگری در این زمینه در دستور دارید؟

شیوا محبوبی: این کمپینی است که به صورت سلسله اقداماتی ادامه خواهد داشت. چرا که مسئله بازدید از زندانها و بازدیدها، از جمله زندان اوین، خواستی است که بارها از سوی زندانیان، خانواده ها و تشکلهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی عنوان شده است و این خواسته در طول دو سال اخیر بیشتر مطرح شده است. ما پس از اولین اقداممان که ارسال يك نامه اعتراضی به وزرای خارجه کشورهای شرکت کننده بود، در نظر داریم فشار را بر دولتهای اروپایی ادامه بدهیم. ما در پروسه ترجمه نامه های که زندانیان سیاسی در رابطه با این بازدید مهندسی شده صادر کرده اند و همچنین يك طومار از سوی خانواده های زندانیان سیاسی و زندانیان کنونی و سابق هستیم.

ما تصمیم داریم با ارسال نامه ها و طومار در هر کشوری که امکان پذیر باشد، با وزارت امور خارجه کشورها ملاقات کرده و خواست بازدید يك هیئت بین المللی و بیطرف از زندانهای ایران را در مقابل آنها بگذاریم. در عین حال به نظر ما موفقیت این امر در بسط و همگانی کردن این خواست است. باید بتوانیم در سطح

وسیعی مردم مدافع آزادی زندانیان سیاسی را جهت ارسال نامه اعتراضی به این دولتتها بسیج کنیم. به نظر من این فرصت خوبی برای فشار به این دولتتها است که ادعای حمایت از حقوق انسانها را دارند، ولی در رابطه با رژیم اسلامی به این شکل برخورد میکنند.

خلیل کیوان: زندانیان سیاسی زندان اوین، چه آنها که پیشتر در این زندان بوده اند و چه آنها که امروز در این زندان هستند چه نقشی می توانند در این کمپین داشته باشند. شما چه فراخوانی به آنها دارید؟

شیوا محبوبی: زندانیان سیاسی و خانواده ایشان که شرایط زندان اوین را با گوشت و پوست لمس کرده اند و میدانند این نمایش مسخره رژیم نمیتواند کلاه بر سر کسی بگذارد، نقش به سزایی در فشار به این دولتتها و افشاء کردن جنایات رژیم دارند. این کمپین متعلق به تمام این عزیزان و آزادیخواهانی است که مدافع آزادی زندانیان سیاسی هستند. به نظر من زندانیان سیاسی از جمله آتنا دائمی و گلرخ ابراهیمی و مریم اکبری منفرد با نامه هایشان به مردم فراخوان دادند که باید به این دولتتها اعتراض کنند و پیام این زندانیان در واقع فراخوان به ادامه اعتراض است. این زندانیان و خانواده هایشان سند زنده جنایات رژیم در زندان اوین هستند. رژیم ممکن است این سفر را به بخش طراحی شده زندان اوین ببرد و اجازه ندهد با گلرخ ها و آتناها صحبت کنند اما این زندانیان با عکس العمل سریع و قاطع خود در طی نوشته ای به این لاپوشانی کردن

واقعیات اعتراض کردند و نگذاشتند رژیم صدای شان را خاموش کند. ما به سهم خود صدای اعتراض این زندانیان را از طریق همین کمپینی که شروع کرده ایم به گوش مردم در سراسر دنیا میرسانیم.

تعداد زیادی در زندان اوین زندان و شکنجه شده اند. این زندانیان حتی پس از آزادی نتوانسته اند شرایط فاجعه وار و زجرهای زندان را فراموش کنند و همچنان با کابوسهای زندان دست و پنجه نرم میکنند. این زندانیان باید از تجربیات خود در زندان اوین بنویسند و برای سازمانهای جهانی و این دولتتها ارسال دارند. خانواده هایی که روز و شب شان را در مقابل زندان اوین گذرانده اند و در جواب اینکه "فرزندم کجاست؟" با مشت و لگد و توهین مامورین زندان روبرو شده اند، باید دادخواست و تجربیات تلخشان را بنویسند و انتشار بدهند. افرادی که در طول ۳۸ سال اخیر در زندان اوین زندانی و شکنجه شده اند و اکنون در کشورهای اروپایی زندگی میکنند، باید به دولت کشوری که در آن مقیم هستند، نامه بنویسند و به عنوان شهروند کشور مربوطه، به حضور دولتشان در این بازدید مهندسی شده، اعتراض کنند. این زندانیان و خانواده هایشان میتوانند نامه هایشان را برای کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمیته بین المللی علیه اعدام ارسال دارند. ما بتوانیم با در دست داشتن این اسناد اقدامات وسیعتری در رابطه با افشاء این دولتتها در دستور بگذاریم و آنها را مجبور کنیم بر رژیم اسلامی فشار بیاورند.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

w.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

کارگران و قراردادهای برده وار

شهلا دانشفر



لغو قراردادهای موقت و جایگزینی آن با قراردادهای دائمی کاری هستند. کارگران خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و استخدام مستقیم خود هستند. بویژه با توجه به پیشروی های جنبش کارگری و ثقل سنگینی که مبارزات کارگران در فضای سیاسی جامعه دارد، امروز کارگران در بهترین فرصت برای سازمانیابی سراسری توده ای و تحمیل قراردادهای جمعی کاری به دولت و کارفرمایان قرار دارند. همانطور که کارگران میتوانند تجمعات سراسری هزاران نفره خود را سازمان دهند، همانطور که بطور مثال کارگران مخابرات اعتصاب سراسری فرامیخوانند و تجمعات سراسری برپا میکنند، میتوانند تشکل توده ای سراسری خود را اعلام کنند و با کمک میبای اجتماعی و حضور خانواده ها، مجامع عمومی خود را به پا کرده و متحد و سازمان یافته پیگیر خواسته هایشان باشند.

بنابراین بازهم تاکید من بر امر متشکل شدن این کارگران است. باید متشکل شد تا دست پیمانکاران را از محیط های کاری کوتاه کرد. باید متشکل شد تا بتوان پرونده قراردادهای برده وار موقت را برای همیشه بست و باید متشکل شد تا کل این بساط توحش و بردگی را جارو کرد.

وابسته به آن و بطور مشخص در پتروشیمی ها، در میان کارگران مخابرات، برق، آتشفشانی، پرستاران، معلمان و بخش های مختلف کارگری شاهد بوده ایم. دو نمونه اخیرش اعتصابات سراسری کارگران مخابرات در تمام استانها و اعتراضات سراسری کارگران مناطق هشت گانه اهواز بر سر خواست قراردادهای مستقیم است. زیر فشار اعتراضات کارگران شهرداری به تازگی سازمان شهرداری ها و دهاری های کشور مجوز استخدام آن گروه از کارکنان شهرداری ها را که دارای حداقل سه سال سابقه کاری هستند را صادر کرده است. اما فقط قرارداد ۳۰ کارگر را بصورت مستقیم در آورده اند و کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی تمامی آنان استخدام نشوند به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

بنابراین نفس اینکه مقاماتی از حکومت امروز با بیان این مشکل و ارائه آمار از وخامت شرایط کار کارگران با استخدامهای موقت و پیمانی هشدار میدهند، نشاندهنده فشار فضای اعتراضی در جامعه است. رحیم زارعی از کمیسیون اجتماعی مجلس آماري از ابعاد وحشتناک کار قراردادی در نفت سخن میگوید و راه حل "ساماندهی کارگران قراردادی"، یعنی پیش کشیدن برخی بهبودهای جزئی و در مقابل نهادهای تر کردن این سیستم بردگی در نفت را، ارائه میدهد. اما خواست کارگران و خواست کل جامعه روشن است. کارگران خواستار

برای صاحبان سود و سرمایه قرار دارد. و در ادامه این توحش و بربریت، ارزان سازی نیروی کار در راس سیاستهای دولت روحانی قرار دارد.

اما روی دیگر این سکه مبارزات هر روزه کارگران علیه این توحش و بربریت است. جنبش علیه قراردادهای موقت، جنبش علیه قراردادهای پیمانی امروز يك جنبش قدرتمند و يك موضوع دائمی اعتراضات کارگری است. در بستر چنین اعتراضاتی است که اعتراضات کارگری هر روز بیشتر به مراکز کلیدی و مهم کارگری که وزن سنگینی در اقتصاد جامعه دارند، کشیده میشود. در بستر چنین اعتراضاتی و در توازن قوای مبارزاتی ای که در نتیجه مبارزات کارگران و کل جامعه امروز شاهدش هستیم، می بینیم که این کارگران علیرغم تکه تکه کردن بخش های کارشان و حضور زالوهای پیمانکار در محیط های کار، به مدد مدیای اجتماعی و گروههای مبارزاتی شان به هم متصل شده و اعتراضات سراسری سازمان میدهند. کارگران توانسته اند با خواسته های سراسری ای چون قراردادهای مستقیم کاری و لغو قراردادهای موقت و پیمانی، افزایش دستمزدها به بالاتر از ۴ میلیون (نرخ سبد هزینه اعلام شده دولت)، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای فرزندان شان، حق داشتن مسکن و غیره جلو بیایند و تجمعات سراسری شان را به پا کنند. نمونه هایی از چنین اعتراضات را در يك دهه اخیر در مبارزات کارگران نفت و مراکز

میلیونی کارگران و خانواده هایشان تحمیل شد. در پرتو این بربریت و بی حقوقی مطلق کارگران، حتی استانداردهای ایمنی کار نیز به قهقرا برده شد و محیط های کار بیش از پیش به قتلگاه کارگران تبدیل گردید. در قراردادهای پیمانی وضع بدتر است. در این شکل برده وار کار، کارگران عملاً بطور دوبله توسط دلالتان و سرمایه داران استثمار میشوند. دستمزد آنان بسیار نازل است و چماق اخراج نیز همواره روی سر کارگر قرار دارد. در میان این کارگران، کسانی هستند که سالها با این شکل از استخدام، کار کرده و همچنان از هرگونه تامین شغلی محرومند و خیلی اوقات حتی از برخورداری از همان حداقل پول باننشستگی نیز محرومند. چون حق بیمه کافی برای آنها پرداخت نشده است.

بدین ترتیب در این جنگل سرمایه، بسیاری از حق و حقوق کارگران نیز سلب میشود و ما شاهد آنیم که چند ماه چند ماه مزد کارگر را پرداخت نمیکنند و به هر شکلی که میتوانند از مزایای شغلی او میزنند و پولش را بالا میکشند. جمهوری اسلامی با اتخاذ این سیاست عملاً برپای بخش عظیمی از کارگران، آنهم در مراکز بزرگ و کلیدی کارگری زنجیر بست. اعتراض کارگران در طول تمام این سالها به استخدامهای پیمانی و شرایط نابرابر کاری تحت عنوان پیمانی و رسمی در واقع تعرضی برای پاره کردن این زنجیر و در هم شکستن کل این ساختار برده وار کاری در محیط های کار بوده است.

آماري که امروز فتح الله بیات و رحیم زارعی و دیگر دست اندرکاران حکومتی از ابعاد تکاندهنده قراردادهای موقت و پیمانی بلست میدهند، در واقع داستان این فاجعه بزرگی است که بر سر کارگران در ایران وارد شده است. این در حالیست که کل سیستم با قوانین کار و دستگاه قضایی و کل دستگاه سرکوبش، در خدمت برپا نگاهداشتن این بهشت سرمایه داری

عدم ایمنی شغلی، جایگزین کردن قراردادهای موقت به جای قراردادهای دائمی بخش مهمی از تعرض سازمان یافته و سیستماتیک جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر در ایران بوده است. از جمله جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدنش با شقه شقه کردن صنعت نفت و صنایع وابسته به آن چون پتروشیمی ها و مجتمع های بزرگی نظیر ایران خودرو و ذوب آهن و دیگر بخش های کارگری و سپردن هر بخش از کار به يك پیمانکار، تعرض گسترده ای را به کل طبقه کارگر شروع کرد. بعد ها همین سیاست در بخش های دیگر چون مخابرات، شهرداری ها، آتش نشانی، برق، حتی در آموزش و پرورش و در وزارت بهداشت و بشکل گسترده در بخش های خدماتی به شیوه رایجی تبدیل شد. و هم اکنون معلمان و پرستاران زیادی هستند که با قراردادهای موقت و پیمانی به کار اشتغال دارند. خصوصاً پیاده کردن سیاست استخدامهای پیمانی در صنعت نفت، جنا از تحمیل بردگی کاری بیشتر و تشدید استثمار کارگران، به لحاظ به هم ریختن ساختار متمرکز و سراسری صنعت نفت و متفرق کردن کارگران این بخش کلیدی کارگری، برای رژیم اهمیت سیاسی نیز داشت. دلیلش نیز تجربه انقلاب ۵۷ و نقش کارگران در آن انقلاب است که هیچگاه از خاطره ها محو نخواهد شد.

استخدامهای قراردادی و بدتریش بصورت سفید امضا، عملاً بخش عظیمی از کارگران را از پوشش همان قانون کار ضد کارگری و ارتجاعی اسلامی نیز خارج کرد و به جایش توحش و بربریت حاکم شد. این اتفاق دست کارفرمایان را در کشیدن بیشتر کار از کرده کارگران با حداقل دستمزدها و تحمیل بدترین شرایط کاری به آنان باز گذاشت. تا جاییکه حتی تعویق پرداخت همان چندروز مزد کارگر به امری رایج و معمول تبدیل شد. با این شکل برده وار کار، نامنی شغلی و خطر اخراج ها همواره چماقی بر سر کارگر بوده و فشار سنگینی بر کرده جمعیت

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را

تکثیر و وسیعاً پخش کنید

آیا حمله به آمرین به معروف قابل دفاع است؟

متن زیر پاسخ به دو سوال شیرین شمس از اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری در برنامه پخش مستقیم تلویزیون کانال جدید است.



معارض بستگی دارد که بتواند خودش را کنترل کند و یا تجربه مبارزه توده ای داشته باشد و به روشی اعتراض کند که مردم دسته جمعی به جان آن آخوند یا مامور امر به معروف بیفتند.

مردم با حکومت شوخی ندارند. یک جنگ به تمام معنی بین این دو طرف جریان دارد. در یکطرف این جنگ، صد هزار نفر از عزیزان مردم کشته شده اند، صدها هزار نفر را شکنجه کرده اند، عده ای سنگسار شده اند، خیلی ها بی حرمت شده اند، تیغ به صورتشان زده اند، اسید به صورتشان پاشیده اند. با چنین حکومتی مواجه هستیم نه با حکومتی که با مثل آدمیزاد با مردم رفتار کند. حکومت کوچکترین منفذی برای ابراز وجود مردم باقی نگذاشته، و در نتیجه مردم هم، حق دارند بعضا با ابزار و روشهایی به مزدوران حمله کنند که در میان آنها وحشت ایجاد کنند و آنها را سرکوب کنند. اینهم شکلی از اعتراض مشروع مردم به سرکوبگران حکومت است. این اتفاق روز بروز بیشتر میشود. این بخشی از مبارزه حق طلبانه مردم در راستای سرنگونی این حکومت است.

مردم حاضر در صحنه را جلب کند و به شکلی اعتراض شود که تعداد هرچه بیشتری از مردم شروع به دخالت کنند و از کسی که اعتراض کرده پشتیبانی کنند، خیلی موثرتر است. شبیه اتفاقی که روز قبل در بابل افتاد که تعداد زیادی زن و مرد در محل جمع میشوند و دسته جمعی به مزدوران میگویند "داعشی" و آنها را عقب میرانند. اینجا بحث تاکتیک مطرح میشود که چه تاکتیکی مناسب تر است. اما مساله این است که این اتفاقات معمولاً بطور فردی در عکس العمل به مزدوران حکومت شروع میشود. تصمیم و نقشه احزاب که نیست. مردم هم که نمیتوانند فوراً بنشینند و تصمیم جمعی بگیرند که چگونه برخورد کنند. اما در عین حال، بعضا مردم، فردی یا جمعی با سنگ و چوب و لگد به مزدوران حمله میکنند که آنها را بترسانند و وحشت در دل آنها بیندازند که جرات نکنند یکبار دیگر مزاحم مردم شوند. باید آنها را ترسانند. فقط بحث و ترویج کافی نیست. جایی هم، باید بطور فیزیکی به آنها حمله کرد و حششان را کف دستشان گذاشت. این کاملاً مشروع است، و بسیار ضروری است. یک جا هم، ممکن است چنین اقدامی مردم را بترساند و نگران کند. آنجا دیگر به آن فرد

چنین اقداماتی یعنی حمله کردن به آخوندها یا آمرین، میتواند به جنبش اعتراضی مردم کمک کند؟ در حالیکه ممکن است در مواردی جان مردم به خطر بیفتد و مثل مورد اصغر نحوی پور که توسط مامورین نیروی انتظامی به قتل رسید.

اصغر کریمی: شما به صحبت یکی از کاربران اشاره کردید که گفته است، ببینید این آخوند حکومتی چکار کرده که آقای اصغر نحوی پور - که من همینجا یادش را گرامی میدارم و به خانواده اش صمیمانه تسلیت میگویم -، به قول معروف خورش به جوش آمده و اینطور عکس العمل نشان داده است. او که در قطار نشسته بوده و کاری به کار کسی نداشته. قضیه از آن آخوند شروع شده که مزاحم یک خانم شده و اصغر نحوی پور هم به آخوند اعتراض کرده و نهایتاً با چاقو به او حمله کرده است (در پی این کشمکش مزدوران حکومت با کلاشینکف به اصغر نحوی پور شلیک میکنند و درجا او را به قتل میرسانند). اما اینکه حمله با چاقو به مزدوران حکومت و به جنبش مردم کمک میکند یا نمیکند، بعضا کمک میکند بعضا هم ممکن است کمک نکند. کلاً، بنظر من روش هایی که دخالت مردم و حمایت

مناطق از شهر ظاهر شوند. اتفاقاتی که در چند روز گذشته افتاد که شما به مواردی از آن اشاره کردید و یا تجمع اعتراضی مردم در بابل که به مامورین حکومت، که به یک جوان گیر داده بودند، میگفتند داعشی، نشان میدهد که نارضایتی وسیع مردم، تعرضی تر میشود. مردم حق دارند به هر وسیله ای که میتوانند جلو دخالت اوباش حکومت در زندگی خصوصی خودشان را بگیرند. سال ۸۸ بعنوان مثال مواجه بودیم با حمله وحشیانه و خشونت بار نیروهای سرکوب حکومت به مردم چه در خیابان و چه در زندانهایشان، و مردم هم، با سنگ و چوب و کوکتل مولوتف و به هر شکلی که توانستند به آنها حمله کردند. این کاملاً قابل دفاع است. مردم که خشونت را شروع نکرده اند. آنها هستند که به جنایتکارانه ترین و شنیع ترین وجهی زندگی مردم را تباہ کرده اند. مردم هم از خودشان دفاع میکنند. هیچ چیز مشروع تر از این نیست. اینکه مردم به چه شکل در مقابل اوباش حکومت بایستند و چه روشی میتوانند مفیدتر و مناسب تر باشد بحث دیگری است.

شیرین شمس: سوال دیگری که مخاطبین تلگرام از ما پرسیده اند این است که آیا

شیرین شمس: سوال شده که آیا اقداماتی مثل چاقو زدن به آخوندها یا حمله دسته جمعی به چنین افرادی یا موارد مشابهی که به آمرین به معروف و ناهیان از منکر حمله شده و آنها را زخمی کرده بودند از نظر حزب کمونیست کارگری قابل دفاع است؟

اصغر کریمی: قطعاً قابل دفاع است. حکومتی که با خشونت با مردم رفتار میکند باید منتظر این عکس العمل ها هم باشد. مردم حق دارند در مقابل زورگویی، فضولی و دخالت اوباش حکومت در زندگی شان که آسایش و امنیت آنها را بهم میزند و ۳۸ سال هست ادامه دارد، از خودشان دفاع کنند و نه تنها دفاع، بلکه تعرض کنند، به هر شکلی که امکانش را دارند. ۳۸ سال است جمهوری اسلامی به بیرحمانه ترین شکلی مردم را سرکوب کرده و مردم هم شروع کرده اند به گوشمالی دادن مزدوران حکومت و این پدیده دارد گسترش پیدا میکند و به جایی میرسیم که عوامل حکومت به راحتی جرات نکنند در خیابانها مزاحم مردم شوند، فضولی کنند و به پوشش یا آرایش خانم ها گیر بدهند و حتی با لباس آخوندی یا هر شکلی که معلوم شود از عوامل حکومت هستند به راحتی در

صفحه فیس بوکی حزب

fb.com/
wpiran/



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



قوانینش به زباله دان تاریخ انداخت. اعتصاب قدرتمند کارگران

نیشکر هفت تپه

هفته گذشته، هفته اعتراضات جانانه کارگران نیشکر هفت تپه بود. کارگران هفت تپه در این هفته اعتصاب بزرگشان را بر پا کردند، با خانواده هایشان تجمع کردند، جاده بستند و حق و حقوقشان را طلب کردند. این اعتراضات از اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزدشان شروع شد، اما اکنون کارگران نه تنها حقوقهای پرداخت نشده خود را طلب میکنند، بلکه بر حق داشتن تشکل و به رسمیت شناختن سندیکایشان تاکید میکنند، به امنیتی کردن محیط کارخانه و مجهز کردن بخش های آن به دوربین های مدار بسته با هدف کنترل آنها در محیط کار اعتراض دارند و به وجود حراست و دخالت نیروی انتظامی در کارخانه معترضند. همچنین یک خواست کارگران نیشکر هفت تپه پرداخت فوری سهم ۴ درصد بیمه تمامی کارگران بازنشسته و رفع مشکل پرداخت مستمري آنها ست. اکنون حکومت اسلامی به روش همیشگی به ابزار سرکوب دست برده است. از جمله بدنبال یورش شبانه مامورین امنیتی به منازل کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در روز سوم مرداد ماه که همراه با خانواده هایشان تجمع داشتند، ۸ نفر از کارگران به اسامی احمد کثیر، بهزاد نظری، سیدهادی تفاع، عبدالرضا سرخه، برادران عبدالله زاده (دو برادر) و صباح سواری و صبح روز چهارم مرداد ۵ نفر دیگر به اسامی رحیم چنانه، کاظم چنانی، یاسر حمیدی، احمد مرادی و یابر هویزه در کارخانه دستگیر شدند. بنا بر آخرین خبر این ۵ نفر در همان روز آزاد شدند. گفته میشود که ۳۱ نفر در لیست بازداشتی های نیروی انتظامی قرار

طی مصوبه ای محدودیت پرداخت حقوق های نجومی به مقامات ارشد دولتی را لغو کردند و از سویی دیگر، حتی برای این حداقل پولی که تحت عنوان "بیمه بیکاری" قرار است به کارگر پرداخت شود، چنین خواب و خیالیهایی دیده اند. و این پولی است که اساسا منبع مالی آن، خود کارگران هستند. به این معنا که هر ماهه ۳۰ درصد (۲۳ درصد کارفرما و ۷ درصد کارگر) بابت بیمه کارگران به صندوق "تامین اجتماعی" واریز میشود. و این در حالیکه است که هر روز گزارشات جدیدی از دزدی های میلیاردی شان بر ملا میشود، پولهای هنگفتی صرف مذهب و خرافه دم و دستگاه سرکوب و جنایتشان میشود. میلیاردها پول صرف نیروهای تروریسم اسلامی و حزب الله و سرپا نگاه داشتن رژیم هایی چون بشار اسد و غیره میشود و آنوقت بیشترمانه هر روز با طرح و توطئه جدیدی زندگی و معیشت مردم را نشانه میروند.

روشن است که کارگران در برابر این تعرض خواهند ایستاد. از جمله یک عرصه دائمی اعتراض در کارخانجات، اعتراض علیه بیکارسازیهاست. اعتراض علیه بیکاری دارد در اشکال سازمان یافته تری به جلو می آید. طلایه هایش را اینجا و آنجا دیده ایم. این خیل عظیم میلیونی بیکاری که نیمی از آنرا جوانان تشکیل میدهند، امروز یک بوم انفجاری اعتراض در جامعه است. جنبش علیه بیکاری، جنبشی است که زمینه حمایت اجتماعی دارد و با اتکا به این نیروی عظیم اجتماعی میتوان به تارک آن رفت. یا کار یا بیمه بیکاری پاسخ ما کارگران به تعرضی به اسم "اصلاح قانون بیمه بیکاری است. جمهوری اسلامی را باید با تمام طرح ها و

آمدهای اجتماعی آن، این قانون را تصویب کردند تا بیکارسازی ها را ارزان تمام کنند و از سر بگذرانند. اکنون میخواهند مدت شمولیت همین چیزی که به آن، "بیمه بیکاری" میگویند را، کاهش دهند. میزان پولی که تحت عنوان "بیمه بیکاری" به کارگران داده میشود، حتی، از حداقل دستمزد کارگران - که خود چند بار زیر خط فقر است - کمتر است و میزان آن ۵۵ درصد متوسط حقوق و دستمزد بیمه شده است که بر اساس تعداد افراد تحت تکفل تا ۴ نفر و هر نفر ۱۰ درصد، قابل افزایش است، مشروط بر آنکه از حداقل دستمزد همان سال که توسط شورای عالی کار تعیین می شود کمتر نباشد و از ۸۰ درصد حقوق بیمه شده نیز بیشتر نباشد. بگذریم که پرداخت همین را هم در بسیاری از اوقات ماه ها به تعویق می اندازند. برای شمولیت همین مبلغ بسیار ناچیزی که به اسم بیمه بیکاری میپردازند، باید از هفت خوان رستم گذشت.

حال در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی به مرز فلج شدن رسیده است؛ هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بیشتری از کار بیکار میشوند، برای دانش آموختگانی که وارد بازار کار میشوند، کاری وجود ندارد و بحث بر سر بحران بیکاری جوانان و سونامی بیکاری است، محرومیت جمعیت عظیم بیکاران از یک بیمه بیکاری مکفی و در کنار آن بیمه های اجتماعی دیگر، مساله بیکاری را به یک فاجعه بزرگ اجتماعی تبدیل کرده و دامن بسیاری از خانواده ها را گرفته است. بیکاری گریبان خیل عظیم میلیون ها نفر را که از هرگونه تأمین محرومند، گرفته است. در چنین شرایطی است که دولت از "اصلاح قانون بیمه بیکاری" و کوتاه کردن زمان پرداخت آن به کارگران از کار بیکار شده، به بهانه گسترش دامنه شمولیت بیمه بیکاری، سخن میگویند. از یکسو در هفته اخیر

بیکار شده باشند، مقرری بیمه بیکاری دریافت می کنند. اما او جزئیات بیشتر این طرح را بر ملا نکرد. بدین ترتیب در حالیکه به خاطر اقتصاد به بن بست رسیده رژیم اسلامی، هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران از کار بیکار میشوند، بحث بر سر کاهش مدت پرداخت همین چندرغاز پولی است که تحت عنوان "بیمه بیکاری" پرداخت میشود. اما "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی چیست؟

واقعیت اینست که در ایران نیروی آماده به کار بیکار از بیمه بیکاری و از هر گونه تأمین دیگری چون درمان رایگان، امکانات برای تأمین مسکن و تحصیل رایگان برای فرزندانشان محرومند. بیمه بیکاری جمهوری اسلامی، خیل عظیم میلیونی نیروی آماده به کار را در بر نمی گیرد و بر طبق قانون "مقرری بگير بیمه بیکاری عبارت از بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد". این آشکارا نشان میدهد که این قانون ربطی به بیمه بیکاری ندارد و تمامی کارگران بیکار را در بر نمیگیرد. بنابراین، چندرغازی که به عنوان بیمه بیکاری پرداخت میشود، در واقع بهایی است که برای کم سر و صدا تمام کردن بیکارسازی کارگران پرداخت میشود. فراموش نشود که همین میزان بیمه بیکاری را هم کارگران با مبارزاتشان به جمهوری اسلامی تحمیل کرده اند. همانطور که این مقام حکومتی اذعان کرده است، این قانون بعد از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق تصویب شد. این قانون وقتی تصویب شد که دیگر بهانه ای به اسم جنگ باقی نمانده بود تا با توسل به آن کارگران را از خواستهایشان عقب بزنند، و به ناچار زیر فشار جامعه ای که خواستهایش را طلب میکرد، مجبور شدند به آن گردن بگذارند. در مقطعی که موجی از بیکارسازی ها به راه افتاده بود، برای جلوگیری از پی

خبرها از یکسو از طرحهای مختلف دولت برای تعرض بیشتر به کارگران و کل جامعه حکایت دارد، و از سویی دیگر از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری. طرح "اصلاح" قانون بیمه بیکاری جمهوری اسلامی، اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب سراسری مناطق هشت گانه شهرداری اهواز با طرح خواست "مستقیم شدن قراردادهای کاری" شان از جمله سرتیترهای برجسته این خبرهاست. طرح "اصلاح" قانون بیمه بیکاری، طرحی دیگر برای تعرض به کارگران

کریم یوری مدیرکل "حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت کار" دولت روحانی در سخنرانی اش در سالن اجتماعات اداره کار استان اردبیل، گوشه کوچکی از طرح اصلاح قانون "بیمه بیکاری" که تعرضی دیگر به زندگی کارگران و کل جامعه است، خبر داد. او در سخنانش گفت: "فلسفه وجودی "قانون بیمه بیکاری" که به سال ۶۶ باز می گردد به منظور جبران خسارت ناشی از جنگ تحمیلی بود". او، نسبت کل مقرری بگیران بیمه بیکاری جمهوری اسلامی را، نسبت به کل بیمه پردازان مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی، دو درصد اعلام کرد که این تعداد به حدود ۲۲۰ هزار نفر میرسد. یعنی "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی تنها شامل ۲۲۰ هزار نفر از میلیونها نیروی بیکار در جامعه شده است. اکنون از کاهش مدت استفاده از مقرری بیمه بیکاری با استدلال مسخره گسترش دامنه پوشش آن سخن میگویند. یآوری افزود: "مطابق جدول ماده هفت قانون بیمه بیکاری، کارگران مجرد حداقل شش ماه و حداکثر سی و شش ماه، و کارگران متأهل حداقل ۱۲ ماه و حداکثر پنجاه ماه، با داشتن شرایط سابقه پرداخت حق بیمه و بیمه بیکاری و سایر شرایط مندرج در قانون، که بدون میل و اراده از کار

شهرداری‌ها که دارای حداقل سه سال سابقه کاری هستند را، صادر کرده است، اما تا این لحظه نه شهرداری و نه شورای شهر اهواز هیچ پاسخی در خصوص دستور العمل فوق به کارگران نداده اند. شهرداری اهواز فقط اقدام به استخدام تنها ۳۰ نفر از کارگران کرده است. کارگران شهرداری این را تفرقه افکنی دانسته و اعلام کرده اند که تا وقتی تمامی آنان استخدام نشوند به اعتراضاتشان ادامه می‌دهند.

به نمایندگی از ۵ هزار نفر از همکارانشان جمع شدند و خواستار تبدیل قراردادهای پیمانی خود به قراردادهای مستقیم کاری شدند. اعتراضات کارگران شهرداری اهواز و خواست مهمشان که خواست بخش عظیمی از کارگران در ایران است، اهمیت دارد و لازم است وسیعاً اطلاع رسانی کنیم. کارگران شهرداری تا هم اکنون دستاوردهای خوبی داشته اند، از جمله زیر فشار اعتراضات آنان، به تازگی سازمان شهرداری‌ها و دهمداری‌های کشور، مجوز استخدام آن گروه از کارکنان

سایت خبری بین‌المللی کارگری، لیبر استارت نیز پستی شنی در حمایت از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بر روی سایت خود گذاشته است. صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه در سطح جهانی باشیم. اعتراضات سراسری مناطق هشت گانه شهرداری اهواز ادامه دارد

هفته گذشته، هفته اعتراضات سراسری مناطق هشت گانه اهواز بود. گروههایی از این کارگران هر روز

و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران بازداشتی شویم. اتحاد مبارزاتی کارگران، تصمیم گیری‌های جمعی آنان در مجمع عمومی برای متحد باقی ماندن، حضور فعال خانواده‌های کارگران، حمایت مردم شهر از این مبارزات، در این مقطع حساس از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، کلیدی و حیاتی است. آی یو اف (فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگران غذایی، کشاورزی و...) کارزاری در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و خواستهایشان اعلام کرده است.

داشته اند. در مقابل اعتصاب کارگران هفت تپه ادامه دارد. کارگران هفت تپه و خانواده‌های بازداشت شدگان، پیگیر وضعیت کارگران دستگیر شده هستند. یک خواست فوری کارگران آزادی فوری و بی قید و شرط همکارانشان است. اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه اکنون در موقعیت حساسی قرار دارد. وسیعاً از آن حمایت کنیم. اخبار این اعتراضات را رسانه ای کنیم و با حمایت و پشتیبانی قاطع خود از مبارزات و خواستهای آنان، در کنارشان بایستیم

کارگران شهرداری اهواز دست به تجمع سراسری زدند



سراسری کارگری شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مرداد ۱۳۹۶، ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷

اعتصابات و تجمعات سراسری کارگران، معلمان و بازنشستگان زمینه تشکیل‌های سراسری آنها را نیز فراهم کرده است. با تمام قوا باید دست به کار ایجاد تشکل‌های

کارگری را در بر می‌گیرد و این یک پیشروی قابل توجه برای جنبش کارگری است. از جمله در هفته‌های اخیر شاهد اعتصاب و تجمع سراسری کارگران مخابرات بودیم.

نداده اند. کارگران شهرداری اهواز بیش از دو ماه است دست به اعتراضات مستمری زده اند اما این اعتراضات بتدریج کل مناطق هشتگانه را در بر گرفت. از جمله روز ۳۱ تیرماه حدود ۷۰۰ نفر از کارگران هشت منطقه در مقابل ساختمان شهرداری اهواز تجمع اعتراضی برپا کردند. خواست جمع کردن بساط پیمانکاران و قرارداد مستقیم روزبروز وسعت بیشتری پیدا کرده و با توجه به وجود ۱۲ میلیون کارگر پیمانکاری در سطح کشور، زمینه تبدیل این خواست به خواست میلیون‌ها کارگر در سطح کشور برقرار شده است. اعتصابات و تجمعات سراسری روزبروز بخش‌های بیشتری از جنبش

کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز امروز دوم مرداد تجمع متحدانه خود را به مقابل استانداری خوزستان کشاندند و به نمایندگی از طرف ۵۰۰۰ نفر از همکاران خود خواهان پرداخت حقوق معوقه و تبدیل قراردادهای پیمانی به قرارداد مستقیم با شهرداری هستند. سازمان شهرداری‌ها و دهمداری‌های کشور تحت فشار اعتراضات مکرر کارگران شهرداری‌ها مجوز استخدام کارکنانی که دارای حداقل سه سال سابقه کاری هستند را صادر کرده است که مطابق این دستورالعمل همه کارگران شهرداری باید تبدیل وضعیت شوند اما تا این لحظه نه شهرداری و نه شورای شهر اهواز هیچ پاسخی در مورد این دستور العمل به کارگران

۱۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شدند



خواهد کرد. کارگران دستگیر شده باید فوراً و بدون هیچ قید و شرط و بدون هیچ نوع وثیقه ای آزاد شوند. اکنون این خواست نیز به سایر خواست‌های کارگران اضافه شده است.

حزب کمونیست کارگری
ایران
۳ مرداد ۱۳۹۶، ۲۵ ژوئیه
۲۰۱۷

سرخه و حمید عبدالله زاده. در تجمع امروز نیروهای سرکوبگر به طرف کارگران گاز اشک‌آور شلیک کردند اما موفق به مرعوب کردن کارگران و پراکنده کردن آنان نشدند. گمان می‌کنند با دستگیری کارگران می‌توانند آنها را خاموش کنند. کارگران نیشکر متحد و یکپارچه ایستاده اند و خانواده‌های آنها نیز به تجمعات آنها پیوسته اند. این دستگیری‌ها تنها خشم کارگران را شعله‌ورتر

طبق خبری که به حزب رسیده است امروز بدنبال بستن جاده اهواز اندیمشک توسط کارگران نیشکر هفت تپه و تجمعی که در کارخانه تشکیل شد، سرکوبگران جمهوری اسلامی ۱۵ نفر از کارگران معترض را دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کرده اند: اسامی ۶ نفر از بازداشت شدگان به این قرار است: احمد کثیر، بهزاد نظری، صباح سواری، هادی تفاح، عبدالرضا

کارگران نیشکر هفت تپه جاده بین المللی اهواز اندیمشک را بستند

خانواده های کارگری در تجمع امروز هم حضور داشتند

اعتصاب و تجمع سراسری کارگران شهرداری های اهواز ادامه دارد

کارگران و خانواده های آنها در مرکز شهر و اطلاع رسانی و جلب همبستگی مردم و تماس با سایر مراکز کارگری در خوزستان و سراسر کشور که با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند، از جمله اقداماتی است که جلو توطئه های حکومت و کارفرما را میگیرد، اتحاد مستحکمی میان کارگران ایجاد میکند و آنان را در موقعیت قدرتمندتری برای تداوم اعتراض خود و شکل دادن به تشکل خود برخوردار میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مرداد ۱۳۹۶، ۲۵ ژوئیه
۲۰۱۷

فضای سبز مناطق هشت گانه شهرداری اهواز که از ۲۷ تیرماه شروع شده امروز نیز ادامه یافت. کارگران امروز نیز به نمایندگی از طرف ۵۰۰۰ کارگر شهرداری در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و خواهان تبدیل وضعیت خود از کار پیمانی به قرارداد مستقیم شدند.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست ها و مبارزات حق طلبانه کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران شهرداری ها حمایت میکند. ما اعلام میکنیم که برگزاری مجمع عمومی هر روزه در طول اعتصاب و تصمیم گیری جمعی برای تداوم مبارزه، راهپیمایی

وضعیت امنیتی در کارخانه و جمع کردن دوربین های مدار بسته، پایان دادن به اخراج ها و بازگرداندن کارگران اخراجی به کار، پرداخت بیمه و سنوات کارگران بازنشسته و همینطور خلع ید از مالکیت خصوصی از خواست های فوری کارگران نیشکر است. بنابراین تجمع امروز نصیری افشار قول داد که یک ماه حقوق کارگران تا فردا پرداخت میشود. او همچنین پیشنهاد کرد که از چند هزار کارگر نیشکر فقط صد نفر ناراضی هستند.

اعتراض سراسری کارگران پیمانی شهرداری اهواز ادامه دارد
اعتراض کارگران خدماتی و

وعید اقدام به آرام کردن آنان کند که با عکس العمل تند کارگران و شعار "افشار حیا کن نیشکر را رها کن" مواجه و سرعت از محل متواری شد. بنابراین وضعیت نیروهای انتظامی با استفاده از گاز اشک آور تلاش کردند کارگران را متفرق کنند اما با مقاومت کارگران مواجه شدند و در نتیجه درگیری های پیش آمده شیشه های چند ماشین شکسته شد. کارگران ساعت ۱ بعدازظهر به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند در صورتی که به خواست آنها فوراً پاسخ داده نشود از فردا اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد.

پرداخت سه ماه دستمزد و دیگر مطالبات معوقه، پایان دادن به

کارگران نیشکر هفت تپه در تجمع روز گذشته، دوم مرداد، التیماutom دادند در صورت عدم تحقق خواست های آنها، همراه با خانواده های خود اقدام به بستن جاده اهواز اندیمشک میکنند و امروز آتراً عملی کردند. کارگران مسیر ده کیلومتری شرکت تا جاده بین المللی اهواز اندیمشک را پیاده طی کرده و از ساعت ۹ صبح امروز هر دو طرف جاده را به مدت دو ساعت مسدود کردند.

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از بازگشت کارگران به محل کارخانه، نصیری افشار قائم مقام کارخانه با حضور در جمع کارگران تلاش کرد با وعده و

کارگران نیشکر هفت تپه کوتاه نمیایند

کارگران بازداشتی باید فوراً آزاد شوند

کارگران فولاد اعتراضات خود را از سر گرفته اند

میلیاردی زیر نظر قوه قضائیه اداره میشود و کارگران خود را مستقیماً در مقابل دولت و قوه قضائیه میدانند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مرداد ۱۳۹۶، ۲۶ ژوئیه
۲۰۱۷

آخرین روز تجمع خانواده های آنها نیز به تجمع در مقابل استانداری پیوستند و بدین ترتیب موفق شدند بخشی از حقوق معوقه خود را دریافت کنند. روز ۱۷ خرداد امسال نیز بار دیگر کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود دست به تجمع زدند. این کارخانه بعد از اختلاس سه

معتراض را به همبستگی با کارگران نیشکر فرامیخواند.

کارگران فولاد اهواز اعتراضات خود را از سر گرفته اند

روز سوم مردادماه، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای ششمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه دستمزد و تعطیل شدن خط تولید این کارخانه دست به اعتصاب زدند. حمید محمودی مدیر عامل این کارخانه در گفتگویی با ایلنا از پرداخت حقوق معوقه کارگران و راه اندازی تولید خبر میدهد اما کارگران فوراً گفته های او را تکذیب کردند. لازم به توضیح است که هزاران کارگران گروه صنعتی فولاد در اهواز در ماههای بهمن و اسفند سال قبل ۱۹ روز دست به اعتصاب و تجمع زدند و در

کارخانه تلاش کردند کارگران را از ادامه مبارزه بازدارند اما کارگران به تجمع خود ادامه دادند و درخواست های خود پافشاری کردند.

کارگران دستگیر شده باید فوراً بدون هیچ وثیقه و قید و شرطی آزاد شوند. ادامه گسترده تر حضور خانواده های کارگران در تجمعات و جلب حمایت مردم و حضور بخش های مختلف کارگران از جمله کارگران نی بر در تجمعات اعتراضی از جمله اقدامات موثر برای آزادی کارگران و تحمیل خواست های دیگر کارگران به کارفرما و دولت است. حزب کمونیست کارگری نپرداختن حقوق کارگران و عدم رسیدگی به سایر خواست های کارگران شاغل و بازنشسته و دستگیری آنها را شدیداً محکوم میکند و کارگران و مردم

شب گذشته ارگان های نیروهای امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی ۱۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه را در مراجعه به منازل آنان دستگیر کرده و به مکان نامعلومی بده اند. کارگران امروز ۴ مرداد دست به تجمع زدند و خواهان آزادی فوری همکاران خود شدند. گفته میشود در تجمع امروز نیز چند نفر از کارگران دستگیر شده اند.

عکس العمل فوری کارگران نیشکر برای آزادی همکارانشان و اعتراضات مستمر آنها در روزها و هفته های گذشته نشان میدهد که کارگران مرعوب این سرکوب ها نشده اند و یکپارچه در کنار هم ایستاده اند. دیروز نیز اوپاش سرکوب حکومت با شلیک گاز اشک آور به طرف کارگران در تجمع محوطه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

Free Them Now!

اسماعیل عبدی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان دستگیر شد

اسماعیل عبدی که با قرار وثیقه به مرخصی آمده بود، صبح امروز ۵ مرداد بدون قرار قبلی بازداشت شد. اسماعیل عبدی از خرداد سال ۹۴ در زندان بسر میبرد و ۶ سال حکم دارد. او از دهم اردیبهشت ماه امسال در اعتراض به صدور احکام امنیتی برای فعالین کارگری، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی و عدم رعایت حقوق زندانیان دست به اعتصاب غذا زد که نهایتاً زیر فشار اعتراضات گسترده ای که در حمایت از خواستهای وی به پا شد، در پنجم تیرماه با قرار وثیقه از زندان مرخص شد. قرار بود که این مرخصی تداوم داشته باشد که بطور ناگهانی در

پنجم مرداد ماه دستگیر شد. اسماعیل عبدی باید فوراً آزاد شود. یک موضوع مهم اعتراضات معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی در دو ساله اخیر اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات بوده است. خواست مشخص این کمپین که استارت آن از زندان توسط اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده در دهم اردیبهشت ۹۵ زده شد، لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض است. و این کارزار ادامه دارد. از جمله هم اکنون طوماری اعتراضی در حمایت از محسن عمرانی معلم زندانی در بوشهر در

جریان است که تا کنون دو هزار معلم و فعال اجتماعی این طومار را امضاء کرده اند. محسن عمرانی يك سال حکم زندان دارد. وسیعاً به این کارزار پیوندیدم. اسماعیل عبدی و محسن عمرانی دو معلم معترض زندانی باید فوراً آزاد شوند. تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

Free Them Now
shahla.Daneshfar2
@gmail.com

۵ مرداد ۹۶، ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۷

FREE THEM NOW



Esmail Abdi

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

SECURITIZING WORKERS',
TEACHERS', AND THE GENERAL
PUBLIC'S PROTESTS IN IRAN
SHOULD BE STOPPED!

رفاه و خوشبختی

همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی، برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

سایت حزب: www.wpiran.org

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

Yahsat

کانال جدید

KANALJADID

پلاریزاسیون
عمودی

فرکانس
۱۲۵۹۴

اف ای سی
۲/۳

سیمبل ریت
۲۷۰۰